

Gölpaşigani

20 Prof. Dr. Moḥammad Bâqer (1910-1993). *Spektrum*
Iran, 6 iv (1993) pp.110-111

Emāmzāda Sayyed Sādāt from the 8th/14th century; and the Hafdah Tan shrine from the 11th/17th century (Meškāti, pp. 64-67; Rafi'i Mehrābādi, pp. 895-96, 898-901).

The town of Golpāyagān, at an altitude of 1,825 m, is located 187 km northwest of Isfahan and 101 km southeast of Arāk (q.v.). It had a population of 38,563 in 1991. Its temperature fluctuates between +37° and -10° Celsius. Its average annual rainfall is 300 mm (Wezārat-e defā', pp. 218-19; Wezārat-e rāh wa tarābari, pp. 119-20).

Historically, the name of the town has been recorded as Karbāyagān (Eṣṭakri, p. 198, n. c); Jarbādaqān (Moqaddasi, p. 402); Darbāyagān (Abu'l-Fedā, *Taqwim*, p. 419); and Golbādāgān (*Nozhat al-qolub*, ed. Le Strange, p. 68). According to Ḥamd-Allāh Mostawfi (p. 95) and Qāzi Aḥmad Ḡaffāri (p. 30), the town of Golpāyagān was built by the daughter of Bahman (q.v.), Samra, also known as Homāy. The county's rural areas were devastated in the earthquake of 715/1315 (Ambraseys and Melville, tr., p. 147). According to Mostawfi (*Nozhat al-qolub*, ed. Le Strange, p. 68), in 740/1339-40 Golpāyagān had some fifty villages, yielding the annual revenue of 42,000 dinars to the state. In 1237/1821-22, Golpāyagān had some 2,000 households (Širvāni, p. 707). According to Eugène Aubin (tr. p. 321), its population in 1324-25/1906-7 was 12,000 to 15,000.

Bibliography: Nicholas N. Ambraseys and Charles P. Melville. *A History of Persian Earthquakes*. Cambridge, 1982; tr. A. Rada as *Tāriḵ-e zamin-lar-zahā-ye Irān*. Tehran, 1370 Š./1991. Eugène Aubin. *La Perse d'aujourd'hui*. Paris, 1908; tr. 'Ali-Aṣṣḡar Sa'idi as *Irān-e emruz*. Tehran, 1362 Š./1983. Qāzi Aḥmad Ḡaffāri. *Tāriḵ-e jahānārā*. Tehran, 1343 Š./1964. Markaz-e āmār-e Irān, *Āmār-giri-e jāri-e jam'iyat 1370: Natāyej-e 'omumi-e ostān-e Eṣfahān*. Tehran, 1372 Š./1993a. Idem, *Āmār-giri-e jāri-e jam'iyat 1370: Natāyej-e 'omumi-e koll-e kešvar*. Tehran, 1372 Š./1993b. Idem, *Naqša-ye taqsimāt-e kešvari-e sāl-e 1370: Ostān-e Eṣfahān*. Tehran, n.d. Idem, *Naqša-ye taqsimāt-e kešvari-e sāl-e 1370: Ostān-e Lorestān*. Tehran, n.d. Idem, *Naqša-ye taqsimāt-e kešvari-e Sāl-e 1370: Ostān-e markazi*. Tehran, n.d. Noṣrat-Allāh Meškāti. *Fehrest-e banāhā-ye tāriḵi wa amāken-e bāstāni-e Irān*. Tehran, 1349 Š./1970. Zakariyā' b. Moḥammad Qazvini, *Āṭār al-belād wa aḵbār al-'ebād*. ed. Ferdinand Wüstenfeld, Göttingen, 1848. Idem, *'Ajā'eb al-maḵluqāt wa ḡarā'eb al-mawjudāt*. ed. Ferdinand Wüstenfeld, Göttingen, 1849. Abu'l-Qāsem Rafi'i Mehrābādi, *Āṭār-e mellī-e Eṣfahān*. Tehran, 1352 Š./1973. Zayn-al-'Ābedin Eskandar Širvāni, *Riāz al-siāha*. Tehran, 1339 Š./1960. Wezārat-e defā'. Edāra-ye joḡrāfiā'i-e arteš. *Farhang-e joḡrāfiā'i-e ābādihā-ye kešvar-e Jomhuri-e Eslāmi-e Irān* LIV. Tehran, 1363 Š./1984. s.v. Golpāyagān. Wezārat-e jehād-e sāzandagi, Wāḡed-e āmār wa barnāma-rizi, *Farhang-e eqtešādī-e dehāt wa mazāre'-e ostān-e*

Eṣfahān, Tehran, 1363 Š./1984. Wezārat-e kešvar, *Taqsimāt-e kešvar-e Jomhuri-e Eslāmi-e Irān*, Tehran, 1373 Š./1994. Wezārat-e ma'āden wa felezzāt, *Fehrest-e ma'āden-e kešvar*. Tehran, 1363 Š./1984. Wezārat-e rāh wa tarābari. *Daftarča-ye masāfat-e rāhhā-ye kešvar*. Tehran, 1366 Š./1987.

(MINU YUSOFNEZHAD)

GOLPĀYAGĀNI, ABU'L-FAZL. See ABU'L-FAZL GOLPĀYEGĀNI.

GOLPĀYAGĀNI, Ayatollah Sayyed MOḤAMMAD-REZĀ b. Moḥammad-Bāqer (b. 8 Du'l-qa'da 1316/20 March 1899; d. 24 Jomādā II 1414/8 December 1993), a chief figure in the contemporary Shi'ite clerical hierarchy (*marja'iyat-e taqlid*), who took a moderate stand in the opposition to what was considered the state's disregard for Islamic principles in the name of modernization as well as to the views advocated by the extremist faction of the post-revolutionary period. He was born in Goged, a village near Golpāyagān (q.v.), where received his elementary education from his father. He lost his father at the age of nine but continued his studies under two local *mojtaheds* until he joined the teaching center of Shaikh 'Abd-al-Karim Ḥā'eri Yazdi at Arāk in 1336/1918. When Ḥā'eri moved his center from Arāk to Qom in March 1922, Golpāyagāni joined him shortly thereafter. In Qom, Golpāyagāni had the chance to attend the lectures of some visiting grand *mojtaheds* such as Ayatollah Abu'l-Ḥasan Musawi Eṣfahāni (d. 1946, q.v.) and Mirzā Ḥosayn Nā'ini (d. 1936); however, his works and juristic attitude mostly show the influence of Ḥā'eri.

Golpāyagāni's teaching career began when Ḥā'eri assigned him the teaching of the *soḡuḥ* classes at the Fayziya. By the 1930s he had established his own teaching circle in Qom, where he taught Koran exegesis (q.v.) and, following Ḥā'eri's death in 1355/1937, began teaching principles and branches of the Shi'ite jurisprudence (*oṣul al-feqh* and *forū'*: 'Aqiqi, II, p. 16; Šarif Rāzi, II, p. 32). Teaching was the main characteristic of Golpāyagāni's career, which spanned more than sixty-five years. His diligent style in training his students often made his courses the most popular even in the presence of a senior *marja'* such as Ayatollah Ḥājj Āqā Ḥosayn Borujerdi (q.v.). Golpāyagāni wrote twelve books, mainly on Shi'ite jurisprudence, including *Efāzāt al-'awā'ed* (a commentary on Āyatollah Ḥā'eri's *Oṣul al-feqh*), *Tawziḥ al-masā'el*, *Majma' al-masā'el* (collection of his juridical opinions), *Resāla-ye šalāt-e jom'a wa 'idayn*, *Manāsek-e ḡajj*, *Aḥkām-e 'omra*, *Dalil al-ḡajj* (the last three on the rituals of pilgrimage to Mecca), and *Aḥkām-e amwāt* (on funeral rites). His lectures, published by his students, cover another twelve volumes, noteworthy among them are: *Ketāb al-qazā*, *Ketāb al-šahādāt*, and *Dorr al-manzud fi*

گلیپایگانی

التین مهدوی، (۳۵۹/۳).

۲) ملا محمد تقی گوگدی گلیپایگانی (م ۱۳۱۳ ش)، از قدماء تلامذة آخوند خراسانی (صاحب کفایة الاصول) و از مراجع امور شرعیة مردم گلیپایگان که به اراک مهاجرت می کند و تا پایان عمر در آنجا می ماند. استاد نزد ایشان سطوح عالیة حوزه و درس خارج را می گذرانند. از این عالم دینی، حاشیه ای بر رسائل شیخ انصاری نیز به جای مانده است... (تقیاء البشر، ۲۴۱/۱؛ مرگی در نور، ص ۱۲۷؛ مقدمة آیات الاحکام، استرآبادی، محمد باقر شریف زاده، ص ۳).

۳) حاج شیخ عبدالکریم حائری (م ۱۳۵۵ ق)، از مشهورترین اسطوره های مرجعیت شیعه (← حائری، شیخ عبدالکریم، دایرة المعارف تشیع، ۴۴/۱۶)؛ که عمده ترین استاد مرجع بزرگوار بود.

اساتید غیر اصلی و مقطعی آن مرحوم: (۴) میرزا محمد باقر گلیپایگانی (م ۱۳۱۲ ش)، وی و برادرش شیخ محمد سعید و پدر آن دو شیخ ملامحمد علی، هر سه از علماء بزرگ بوده اند... (تقیاء البشر، ۲۱۶/۱ و ۸۱۲/۲). آیت الله گلیپایگانی (ره) مدتی در گلیپایگان، نزد آن بزرگوار درس خوانده است.

۵) شیخ محمدرضا اصفهانی نجفی مسجد شاهی (م ۱۳۶۲ ق)، از شاگردان مرحوم سید محمد فشارکی و سید کاظم یزدی - صاحب محزونة الوثقی - بوده است و در بقعة شیخ محمد تقی رازی - از دیگر اساتیدش - پائین پای آن مرحوم، مدفون است (تقیاء البشر، ۷۴۸/۲؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ۲۶۷/۲). آیت الله گلیپایگانی (ره) در سال ۱۳۴۶ ق، که مدت کوتاهی آن مرحوم از اصفهان به قم آمده بودند، در مدرسه فیضیه در درس ایشان شرکت می جستند.

۶) میرزا محمد حسین نائینی (م ۱۳۵۵ ق)، فقیه و محقق اصولی معروف که آیت الله گلیپایگانی (ره) هنگام اقامت موقت ایشان در قم، که در حدود سال ۱۳۴۰ ق و به مدت هشت ماه بوده، در درس ایشان شرکت جسته و قاعده ید را نزد ایشان خوانده است.

۷) شیخ محمد حسین اصفهانی (کمپانی) (م ۱۳۶۱ ق)، فقیه و محقق اصولی (دایرة المعارف تشیع، ۲۲۷/۲)، که آیت الله گلیپایگانی (ره) مدت سه ماه در عراق، از درس و بحث وی بهره مند شده اند و خود، در تدریس خارج بیع، از حواشی وی بر مکاسب شیخ انصاری (ره)، نقل قول می کرده و اقوال او را مورد نقد و بررسی قرار می داده اند...

۸) آیت الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی (م ۱۳۴۰ ش)، که

(سایت دفتر آیت الله شیخ لطف الله صافی) <http://www.safi.net>
(حزب برادری سده) <http://www.sede.1388.javanblog.com>
(وبلاگ تورجان کردستان) <http://tourjan.blogfa.com>
علی بشیری لمجیری

گلیپایگانی، آیت الله العظمی سید محمدرضا (۱۳۱۶ - ۱۴۱۴ ق/۱۳۷۲ ش)، فقیه و مرجع تقلید شیعیان ایران و جهان. وی در روز دوشنبه ۸ ذی القعدة ۱۳۱۶ ق، در گوگد گلیپایگان - که در یک فرسخی آن واقع است. در خانواده ای علمی و مذهبی دیده به جهان گشود.

پدر ایشان، مرحوم سید محمد باقر موسوی گلیپایگانی (م ۱۳۲۵ ق) از سادات عالیقدر و زهاد و علمای جلیل القدر منطقه و مورد توجه مردم بود.

والده آیت الله گلیپایگانی، مرحومه هاجر خانم، در سن سه سالگی آن بزرگوار، در وضع حمل پسر بعد از ایشان، دارقانی را وداع گفت (۱۳۱۹ ق). پدر، پس از درگذشت مادر، محترمة دیگری را به همسری خود برگزید، که آیت الله گلیپایگانی همواره از مهربانی ها و نوازش های او یاد می کردند. استاد، نه ساله بود که پدر را نیز از دست داد (۱۳۲۵ ق)؛

ایشان، در دوران کودکی، نصائب القصبیان (در لغت منظوم عرب) را نزد ملا محمد تقی گوگدی خواند، سپس از گوگد به خود گلیپایگان رفت و پس از چند سال، برهه ای کوتاه - در دوران بلوغ - را در خوانسار، در مدرسه گوهرخانم - دختر شاه سلیمان صفوی (ره) - گذرانده و به تحصیل اشتغال داشت. پس از ورود شیخ عبدالکریم حائری به اراک و ریاست حوزه علمیه آن، استاد نیز در سن ۲۰ سالگی، در ۱۳۳۶ ق به اراک مهاجرت می کنند و در مدرسه آقا سید ضیاءالتین و سپس در مدرسه حاج محسن، سرگرم تحصیل می شوند و تا ۱۳۴۰ ق - که آخرین سال اقامت مرحوم حائری است - در اراک می مانند. آنگاه، به دنبال هجرت و اقامت ایشان در قم، استاد نیز به دعوت آن مرحوم، به قم مهاجرت می کند و در مدرسه فیضیه به تحصیل خود ادامه می دهد.

اساتید آن مرحوم، اساتید اصلی ایشان عبارت بوده اند از:

۱) سید محمد حسن خوانساری (م ۱۳۳۷ ق)، مقیم گلیپایگان و برادر آیت الله سید احمد خوانساری و صاحب آثاری چند، که عمده استفاده مرحوم آیت الله گلیپایگانی، در گلیپایگان، از ایشان بوده و مخطوطات تقی زانی، را نزد ایشان خواند (تقیاء البشر، آقا بزرگ طهرانی، ۴۵۲/۱؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، سید مصلح